

چرا زنان طلاق را انتخاب می‌کنند: دیدگاهی تکاملی

محمد دیبا

کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج، ایران (نویسنده مسئول)

Emai: (mohammaddiba15000@gmail.com)

چکیده

در ازدواج‌های مونث-مذکر زوج‌های تحصیل کرده غربی، زنان طلاق گرفته به دلیل درآمد کمتر و نگهداری از بچه‌ها بار بیشتری را به دوش می‌کشند. پس چرا این زنان در امر طلاق پیش‌قدم شده و پس از انجام آن از سلامت روانی بهتری بهره‌مند می‌شوند؟ در این مقاله به بررسی نگرش عدم تطابق تکاملی بر اساس یافته‌های کلیدی در زمینه علوم رابطه پرداخته‌ایم. معتقدیم که عدم تطابق بین تمایلات و شرایط ازدواج‌های مدرن باعث ایجاد ناراضی می‌شود. و همچنین پیشرفت بی‌سابقه زنان در محل کار نیز آزادی بیشتری به آنان برای ترک ازدواج می‌دهد. ما به بحث پیرامون انتظارات اجتماعی از مردان و زنان پرداخته‌ایم که باعث ایجاد این آسیب‌پذیری‌ها می‌شوند. با طرح سوالاتی کلیدی برای پژوهش‌های آتی به بحث خود پایان داده‌ایم که می‌توانند به ایجاد سازوکارهایی جهت کاهش ناراضی و درد و فقدان ناشی از طلاق کمک کنند.

واژگان کلیدی: طلاق، عدم تطابق تکاملی، نقش‌های جنسیتی، کار بدون مزد، ترجیحات همسر.

مقدمه

زمانی که افراد قصد ازدواج دارند، نیت آنان اصولاً زندگی مشترک تا آخر عمر می‌باشد - یعنی تا دم مرگ. هر چند حدوداً نصف ازدواج‌ها در ایالات متحده به طلاق ختم می‌شوند (۱). این مسئله برای هر دو طرف، علی‌الخصوص زنان گران تمام می‌شود. در زوجین دگرجنس‌گرای غربی، زنان نسبت به مردان پس از طلاق کاهش بسیار بیشتری در سطح درآمد خود تجربه می‌کنند (۲،۳)، و خطر سقوط آنان به زیر خط فقر بیشتر می‌شود (۴).^۱ از سوی دیگر، حقوق مردان کاهش کمی داشته (۲،۳) و یا در برخی اوقات افزایش می‌یابد (۴). زنان معمولاً به تنهایی سرپرستی کودکان را به عهده گرفته و یا سرپرست نخست آنان می‌شوند (۵) و احتمال ازدواج مجدد آنان کمتر است (۶،۷). لذا طلاق بار مضاعفی برای زنان دارد، چرا که آنان می‌بایست هم کار کرده و هم بدون هیچ درآمدی با منابع مالی کمتر نسبت به مردان از کودکان مراقبت کنند. با وجود این هزینه‌ها، زنان اشتیاق بیشتری به طلاق داشته (۸،۹) و نسبت به مردان رضایت بیشتری از زندگی پس از طلاق دارند (۱۰،۱۱). این پدیده نشانگر وجود پارادوکس در طلاق غربی حال حاضر می‌باشد. با وجود صدمات بیشتر برای زنان، چرا آنان عمدتاً میل بیشتری به طلاق داشته و از لحاظ روانی از آن سود می‌گیرند؟

پاسخ‌های موقتی در مقالات ارائه شده وجود دارند که نشان می‌دهند آزار جسمی (۱۲)، مشکلات مالی (۱۳،۱۴) نازایی (۱۵)، خیانت (۱۶،۱۷) و تضاد شخصیتی (۱۷) می‌توانند منجر طلاق شوند. اگرچه شناخت متغیرهایی که باعث تضعیف رابطه می‌شوند از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد و این مسئله در پژوهش‌های انجام شده نیز صادق است، به یاد داشته باشید که دلیل

^۱ در اینجا تمرکز ما بر روی ازدواج زوجین غربی می‌باشد، که از اهمیت بالایی برخوردار است، چرا که تمایلات و خواسته‌های زوجین متفاوت بوده و امکان تلاقی دارند. معتقدیم که یک نگرش عدم تطابق تکاملی می‌تواند به بررسی سایر انواع ازدواج (برای مثال ازدواج همجنس‌گرایان) کمک کند، زیرا اختلاف بین وظایف مراقبتی و نان‌آوری به وضوح در این ازدواج‌ها نیز مشاهده می‌شوند.

اصلی طلاق، خراب شدن رابطه نبوده و تصمیم یک طرف برای ترک طرف مقابل می‌باشد (۱۸،۱۹). به هنگام بررسی دلیل پیش‌قدم شدن زنان در طلاق می‌بایست به تفاوت‌های آنان در عوامل فردی بپردازیم. در این مقاله با استفاده از علوم تکاملی و رابطه به بررسی این تضاد در پیش‌قدمی زنان برای طلاق پرداخته‌ایم. ما معتقدیم که پیشرفت زنان در محل کار باعث ایجاد عدم تطابق بین تمایلات تکامل یافته بانوان و ازدواج مدرن شده است. اگرچه موفقیت حرفه‌ای زنان باعث آزادی سیاسی و اقتصادی آنان از مردان شده است، اما همین مسئله باعث کاهش وابستگی بین زوجین، تغییر مزایای ازدواج و هزینه جدایی شده است. این نگرش باعث ایجاد سوالات پژوهشی جدید شده است. اعتقاد ما بر این است که پاسخ دادن به این سوالات به شناسایی ابزار مورد نیاز جهت تقویت رابطه‌ها با کاهش شکاف‌های به وجود آمده از عدم تطابق کمک می‌کند.

زنان در محل کار: ویژگی جدید دنیای مدرن

به صورت اجدادی، حاملگی و مراقبت از کودکان باعث نزدیکی زنان به خانه می‌شده است. این مسئله باعث وابستگی زنان به تامین موارد مورد نیاز (برای مثال، غذا، سرپناه و سایر منابع) از سوی همسر می‌شد. تمامی نیاکان مونث ما مادر بودند و مادری نیز فقط در زبانی وجود داشت که از لحاظ جنسی فعال بودند. برای نیاکان مونث ما مادری و وابستگی به مردان گزینه‌ای برای انتخاب نبوده و صرفاً بخشی از زندگی بودند.

امروزه وضعیت فرق کرده است. زنان می‌توانند باروری خود را کنترل کرده، خانواده را اداره نموده و به اهداف حرفه‌ای خود دست یابند. زنان ۵۷/۳٪ مدارک لیسانس، ۶۰/۱٪ درصد مدارک فوق لیسانس و ۵۳/۵٪ مدارک دکتری (۱۹) و ۵۱/۵٪ از شغل‌ها را به خود اختصاص داده‌اند (۲۰). اکثر زنان در صورت داشتن فرصت استقلال از مردان، این راه را انتخاب می‌کنند.

حضور زنان در محل کار باعث افزایش سلامت فردی و جمعی می‌شود. درآمد زنان رابطه مستقیمی با رضایت از زندگی (۲۱،۲۲) و سلامت بهتر آنان (۲۳) دارد. داشتن زنان به عنوان بخشی از مجموعه استعدادها اقتصادی همچنین باعث افزایش درآمد و نوآوری در شرکت‌ها می‌شود (۲۴). هرچند حضور زنان در محل کار باعث ایجاد تغییرات عمده‌ای در رابطه آنان با مردان شده است. هزاران سال زنان برای بقا و تولید مثل به مردان متکی بودند، اما الان چنین نیست.

در این مقاله به چگونگی تاثیر عدم تطابق و سایر تغییرات سریع اجتماعی بر روی تصمیم زنان مبنی بر طلاق پرداخته‌ایم. ما به دنبال بازگردانی نقش‌های جنسیتی به صورت سنتی نیستیم، در عوض فرصت‌هایی برای اصلاح روابطی بینیم که می‌توانند باعث کاهش کشمکش در روابط شده و تطابق را افزایش دهند. ما این مقاله را نقطه شروعی برای شناخت منابع جدید در اختلافات زناشویی و بررسی راه حل‌های ممکن برای زنان و مردان می‌دانیم.

چالش‌های به وجود آمده از عدم تطابق تکاملی و از بین رفتن وابستگی متقابل

عدم تطابق در تمایلات همسر

تمایلات در منابع

شواهد بسیاری نشان می‌دهند که زنان همسری را ترجیح می‌دهند که بتواند به آنان در تهیه منابع کمک کند. در دنیای مدرن، این منابع عمدتاً با پول تهیه می‌گردند (۲۵-۲۷). برای مثال، یک پژوهش با بیش از ۱۴۰۰۰ شرکت‌کننده از ۴۵ کشور نشانگر وجود تفاوت جنسیتی در ترجیح زنان برای منابع مالی می‌باشد (۲۷). بدون در نظر گرفتن استانداردهای برابری جنسیتی در سطح کشوری، زنان نسبت به مردان اهمیت بیشتری به داشتن رابطه بلندمدت با مردان پولدارتر می‌دهند. به علاوه، داده‌های سرشماری جدید ایالات متحده با بیش از ۵۵۰۰۰ شرکت‌کننده نشانگر تاثیر این تمایلات بر انتخاب همسر

می‌باشند - درآمد رابطه مستقیمی با امکان ازدواج برای مردان دارد، اما این مسئله در زنان صادق نمی‌باشد (۲۸). با افزایش موفقیت‌های زنان در محل کار و ثابت ماندن یا کاهش این موفقیت در مردان (۲۸) مردان کمتری تمایل زنان برای داشتن همسری با موفقیت حرفه‌ای بالاتر از خودشان را برآورده می‌کنند.

تمایل زنان به جایگاه و منابع به احتمال زیاد نشانگر نقش بلندمدت و اجباری آنان برای تولید مثل است. در هر حاملگی زنان حدود ۹ ماه زمان و ۸۰۰۰۰ کالری انرژی مصرف می‌کنند؛ و پس از زایمان نیز شیردهی میزان نیاز به انرژی آنان را حدود ۲۶٪ افزایش می‌دهد (۳۰). چنین هزینه‌های انرژی به همراه محدودیت در تحرک به این معنی می‌باشند که زنان در زمان قدیم جهت تامین منابع خود نیازمند دیگران و عمدتاً پدر فرزند خود بودند. بدین ترتیب، فرض بر این است که زنان تمایل به داشتن همسری با جایگاه بالا و قادر به ارائه منابع را از نیاکان مونث و موفق خود به ارث برده‌اند (۳۱، ۳۲).

با توجه به تمایل زنان به داشتن همسری با درآمد بالاتر از خود (۲۸)، چه اتفاقی با پیشی گرفتن درآمد آنان از همسر خود روی می‌دهد؟ این سوال با کاهش اختلاف دستمزد کارکنان ماهر اهمیت بیشتری پیدا می‌کند (۲۹)، و زنان اکنون ۲۲/۱٪ از مواقع درآمدی بیشتری از همسر خود دارند (۳۳).

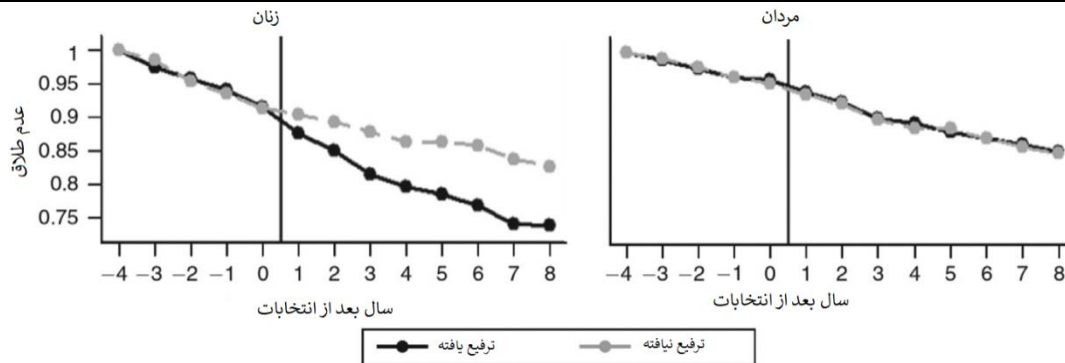
اگرچه اطلاعات اندکی در خصوص رابطه میان وضعیت مالی و رضایتمندی از رابطه وجود دارد، یک پژوهش بلندمدت بزرگ (۱۲۰۰۰ استرالیایی $N =$) نشان می‌دهد که افزایش حقوق زنان و بیشتر شدن مقدار آن از حقوق مردان در طول زمان باعث کاهش رضایتمندی در هر دو طرف می‌شود (۳۴). نمونه‌های این تغییر شگرف در جایگاه زنان با این الگو همخوانی دارند: احتمال طلاق زانی که در انتخابات سیاسی پیروز می‌شوند دوبرابر هم‌تایانی است که در این انتخابات شکست می‌خورند (۳۵) (به باکس ۱ مراجعه کنید).

تمایل به شاخص‌های زن خوب

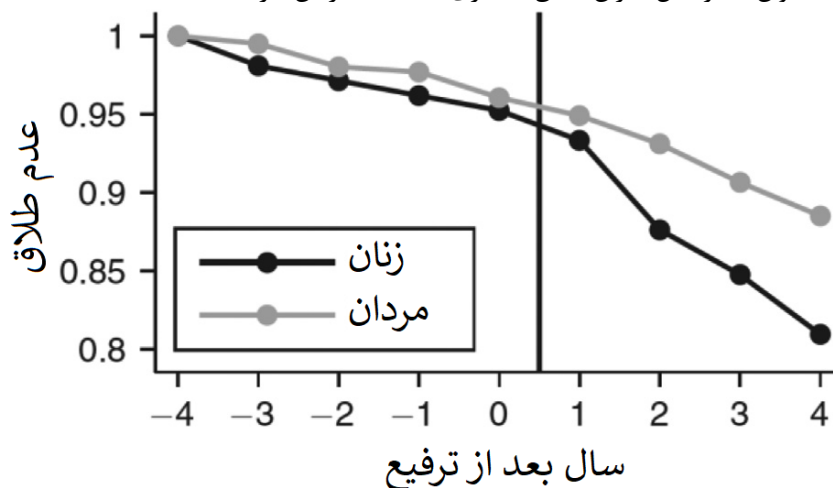
زنان علاوه بر همسران دارای منابع به همسران خوش‌قیافه نیز جذب می‌شوند. آنان علی‌الخصوص به ویژگی‌هایی همچون تقارن، جذابیت چهره، مردانگی و تسلط اجتماعی اهمیت می‌دهند، و به نظر می‌رسد که در زمان‌های باروری خود به جذابیت اهمیت بسیاری می‌دهند (۳۶، ۳۷). این ویژگی‌ها نشانگر زن‌های خوب می‌باشند (یعنی، سلامت، قدرت فیزیکی (۳۶)). محققان تکامل معتقدند که دلیل با اهمیت بودن این ویژگی‌ها برای زنان، مزایای بقا و تولید مثل آنها در جهت کمک به فرزندان در مقابل محیط خود می‌باشد (گنگستاد و همکاران در مطبوعات).

باکس ۱. دستاوردهای بادآورده در موقعیتکاری و طلاق

چه اتفاقی در صورت موفقیت چشمگیر یکی از طرفین بر سر ازدواج می‌آید؟ یک پژوهش انجام شده بر روی داده‌های اداره ثبت احوال در کشور سوئد از سال ۱۹۷۹ الی ۲۰۱۲ نشانگر وجود روند طلاق پس از پیروزی در انتخابات یا کسب مقام ریاست می‌باشد (۲۵). این پژوهش متشکل از زنان ($N = 641$) و مردانی ($N = 1246$) است که نامزد صندلی پارلمان یا شهرداری بودند. این مقامات جایگاه بالایی داشته و درآمد آنان جزء ۵ درصد بالای کشور سوئد می‌باشد. پانل سمت چپ شکل ۱ نشان می‌دهد که زنان پیروز در انتخابات میزان بیشتری از طلاق را تجربه می‌کنند، و این مسئله در مورد زنان شکست‌خورده در انتخابات دیده نمی‌شود. پانل سمت راست شکل ۱ نشان می‌دهد که تفاوتی بین مردان پیروز و شکست‌خورده انتخابات در زمینه طلاق وجود ندارد.



این محققان همچنین الگوهای طلاق موجود پس از استخدام شدن به عنوان مدیرعامل را از سال ۲۰۰۲ الی ۲۰۱۲ بررسی کردند (۷۱۵ مرد، $n = 105$ زن). محققان تنها به اطلاعات موجود در خصوص افراد استخدام شده به عنوان مدیرعامل دسترسی داشته و به تعداد افراد رد شده دسترسی نداشتند. به هر حال این روند نیز با پیروزی در انتخابات همخوانی دارد. زنان استخدام شده به عنوان مدیرعامل میزان طلاق بیشتری نسبت به مردان دارند.



مولفان این پژوهش از مکانیسم‌های مختلفی جهت توجیه یافته‌هایشان استفاده کرده‌اند.

آیا زنانی که مقام و جایگاه بالایی دارند تمایل بیشتری به ازدواج مجدد دارند؟ با ورود زنان به حرفه‌های تحت تسلط مردان، آیا ممکن است به دلیل وجود همکاران مذکر بیشتر، تمایل بیشتری نیز باشد؟ اینگونه به نظر نمی‌آید. زنان ترفیع یافته به جایگاه مدیرعاملی یا پیروز انتخابات احتمال بیشتری برای ازدواج نسبت به سایر گروه‌ها ندارند: ۲۲٪ زنان طلاق گرفته پس از پیروزی یا ترفیع دوباره ازدواج کردند که این عدد برای مردان ۲۷٪ و برای هر دو جنس شکست خورده و ترفیع نیافته ۳۰٪ می‌باشد. آیا ازدواج‌های "سنتی" در خطر بیشتری قرار دارند؟ محققان به بررسی اختلاف سنی (زن ۴ سال یا بیشتر کوچک‌تر از همسر خود = سنتی) و سهم آنان از مرخصی والدین (بیش از ۹۰٪ مرخصی توسط زن استفاده شود = سنتی) پرداخته‌اند. احتمال شکست ازدواج در صورت پیروزی در انتخابات یا ترفیع مقام با توجه به این معیارها در ازدواج سنتی بیشتر است. مولفان پژوهش حدس می‌زنند که نقض انتظارات طرفین است که باعث طلاق می‌شود، یعنی زمانی که ازدواج به سمت نقش غیرسنتی زنتغییر کند، یکپارچه هر دو طرف ناراضی‌خواهند بود.

آیا دلیل طلاق افزایش استقلال مالی زنان است؟ زنان پیروز در انتخابات یا ترفیع یافته به مقام مدیرعاملی قبلاً نیز درآمد بالایی داشتند (۶۶٪ درآمد خانه قبل از پیروزی). لذا مسئله‌ای که قبلاً نیز در اغلب این زنان وجود داشت، یعنی استقلال مالی به تنهایی نمی‌تواند دلیل طلاق باشد. ما معتقدیم که عامل کلیدی طلاق در این داده‌ها، نقض تمایل زنان برای وجود موقعیت حرفه‌ای بالاتر در همسران نسبت به خودشان است، که با کسب این موقعیت‌های مرتفع بر این مسئله تاکید می‌شود (۲۷).

تمایل زنان به زن‌های خوب می‌تواند باعث ایجاد یک عدم تطابق دیگر نیز شود. تمایلات تکامل یافته برای شاخص‌های زن‌های خوب، نوعی سازگاری است که احتمالاً پیش از سازگاری برای پیوند بین زوج وجود داشته است (۳۸). از آنجایی که هیچ مردی تمامی صفت‌های مورد علاقه زنان را ندارد، زنان معمولاً مصالحه می‌کنند، یعنی یک دسته از ویژگی‌ها را به دسته‌های دیگر ترجیح می‌دهند. زمانی که زن زن‌های خوب را ترجیح دهد ممکن است با منابع در اختیار همسر خود مشکل پیدا کند. در واقع، مردانی که دارای شاخص‌های زن خوب هستند، تمایل بیشتری به جفت‌گیری کوتاه‌مدت دارند و لذا در سوی دیگر مردانی که فاقد این ویژگی‌ها هستند، به‌عنوان جفت طولانی‌مدت، مناسب‌تر می‌باشند. بر این اساس، زنانی که منابع را با شاخص‌های زن خوب معاوضه می‌کنند، ممکن است در نهایت تصمیم به ترک این روابط بگیرند، به ویژه اگر زن بتواند از لحاظ مالی از خود حمایت کند.

عدم تطابق مراقبتی

احتمالاً سرمایه‌گذاری‌های اجباری زنان بر روی فرزندان تمایل شدیدتری را در آنان برای مراقبت نسبت به مردان ایجاد کرده و باعث بی‌میلی آنان برای واگذار کردن نامر مراقبت از فرزندان به همسر شده است (۴۱، ۴۰). به علاوه، با وجود افزایش میزان اشتغال زنان در خارج از خانه، زنان نسبت به مادران خود در دهه ۱۹۶۰، ۳۵٪ بیشتر از فرزندان مراقبت می‌کنند (۴۲، ۴۳). این الگو حتی در زنانی نیز دیده می‌شود که درآمد بیشتری نسبت به همسران خود دارند، آنها حتی وظایف خانه‌داری و بچه‌داری بیشتری نسبت به افراد کم‌درآمدتر به عهده می‌گیرند. این مسئله نشان می‌دهد که زنان شاغل برای حفظ نقش‌های سنتی خود در ازدواج تحت فشار می‌باشند (۴۴).

هنجارهای اجتماعی پیرامون تقسیم کار خانوارها آشکارا هنوز با دنیای مشارکت درآمد دوگانه سازگار نشده است (۴۵). در مطالعه‌ای بر روی زوج‌های متاهل دگرجنس‌گرا با نان‌آور زن (یعنی تأمین ۸۰ درصد از درآمد خانوار)، تنها ۳۸ درصد گزارش کردند که زن نان‌آور اصلی خانه است (۴۶)، که نشان‌دهنده عدم تمایل برای پذیرش درآمد‌های پهن‌جاری است. در همین راستا، پدرانی که در خانه می‌مانند، بیشتر وقت خود را به کارهای مردانه مانند کارهای حیاط اختصاص داده (۴۷) و بسیاری از کارها مانند آشپزی و نظافت روزانه را به زنان واگذار می‌کنند.

حجم کار زنان یک عامل استرس‌زا است که اثرات آن با کاهش سلامت و میل جنسی برای هر دو طرف رابطه مستقیم دارد (۳۴). در پژوهشی بر روی ۷۰۵ زن متاهل دارای فرزند، مشخص شد زنانی که در کارهای خانه نسبت به مردان فعال‌تر بودند، میل جنسی کمتری به همسر خود داشتند، که این پدیده با ادراک زنان از همسران خود به عنوان افراد وابسته توجیه می‌گردد (۴۸). یعنی بخشی از مراقبت شامل تأمین نیازهای شوهر است که می‌تواند شبیه به مراقبت از کودکان باشد.

فشار وظیفه بر روی مردان نیز اثرات منفی دارد. مردانی که برای مراقبت از خانواده از محل کار خود فاصله می‌گیرند (مثلاً درخواست مرخصی خانوادگی) یا نقش پدر خانه‌دار را ایفا می‌کنند، در مقایسه با مردانی که این کار را نمی‌کنند، ضعیف‌تر تلقی می‌شوند (۴۵). مردانی که کار می‌کنند اما وظایف مراقبتی بیشتری نسبت به هم‌تایان خود انجام می‌دهند، از سوی همکاران

آزار داده شده و به اندازه کافی قاطع، قویا جاه طلب دیده نمی‌شوند (۴۹). هم‌زمانی استرس دو نقشی بودن در زنان و احساس فشار اجتماعی برای مشارکت بیشتر مردان در کارهای مردانه‌تر، باعث ایجاد دوگانگی در روابط می‌شود. اگر زنان تصور کنند که "همه کارها را انجام می‌دهند"، مزایای مشارکت زناشویی کاهش می‌یابد.

بینشیفاتر از علم روابط: کاهش وابستگی متقابل بینطرفین

با افزایش درآمد زنان، وابستگی متقابل نیز کاهش می‌یابد. این مسئله می‌تواند تمایل زنان به تحمل مشکلات ازدواج را با تغییر نسبت رفاهی (یعنی تمایل به قربانی کردن رفاه شخصی برای افزایش رفاه شریک زندگی) تغییر دهد (۵۰). این چهارچوب پیش‌بینی می‌کند که بسیاری از زنان تمایل کمتری به رفتارهای کاهش‌دهنده رضایت داشته و تمایل بیشتری به تشدید مشاجرات خواهند داشت، زیرا در شرایط بهتری برای ترک رابطه قرار دارند.

به علاوه، کاهش وابستگی متقابل تاثیری منفی بر روی تعهد به رابطه دارد (۵۱، ۵۲)، که می‌تواند باعث کاهش تمایل طرفین به فرآیندهای حفظ‌کننده رابطه شود (۵۳). زمانی که توهمات مثبت در مورد ویژگی‌های خوب شریک زندگی از بین رود، احتمال انحلال رابطه افزایش می‌یابد.

قبول داریم منطقی که در اینجا طرح می‌کنیم به پارادوکس طلاق پیشنهاد شده توسط زنان در زوجین تحصیل کرده غربی می‌پردازد. مهم‌تر از همه، بینش‌هایی که ما ارائه می‌دهیم احتمالاً در سطوح کم درآمد صادق نمی‌باشند، چرا که طرفین حیدر صورت داشتن درآمد دوگانه نیز به شدت به یکدیگر وابسته هستند.

تلاش برای ایجاد راه حل

در مجموع، از دست دادن وابستگی متقابل، همراه با عدم تطابق تمایلات تکامل یافته، تهدیدی برای ازدواج مدرن است. قبل از ارائه راه‌حل، نیازمند پژوهش جهت رفع شکاف‌های موجود در بین مقالات هستیم. از نظر ما پاسخ‌دهی به سوالات در چهار زمینه کلیدی به این امر سرعت خواهد بخشید.

حذف هنجارهای جنسیتی

اولاً، بحث بر سر کار بدون دستمزد تا حدودی ناشی از هنجارهای جنسیتی است که بر اساس جنسیت متفاوت می‌باشد، به عنوان مثال، خانه‌دار بودن زنان و نان آور بودن مردان. آیا رابطه بین نوع کار و مردانگی و زنانگی قابل کاهش است؟ کمپین‌های پیام‌رسانی که این فعالیت‌ها را به طرز دیگری نشان می‌دهند، می‌توانند به افزایش راحتی زنان و مردان با کار خلاف هنجار و رضایت از ازدواج‌های خلاف هنجار کمک کنند.

کمک به امر مراقبت از فرزند

ثانیاً، اگر حذف ارتباط جنسیت با نیروی کار مزدبگیر و بدون مزد دشوار باشد، آیا کمک به مراقبت از کودکان می‌تواند راه حل بهتر یا سریع‌تری باشد؟ تحقیقات‌بایستی به این موضوع بپردازد که آیا این راه حل هنجارهای جنسیتی را کمتر به چالش کشیده و تا چه اندازه بار مادران را کاهش می‌دهد و به طور بالقوه آیا باعث ایجاد رضایت بیشتر در ازدواج‌هایی می‌شود که در آن زنان نان آور اولیا اصلی خانه هستند. این کمک می‌تواند استخدام شده و یا توسط کارفرمایانیا دولت ارائه شود، که از لحاظ محبوبیت سیاسی در حال افزایش است (۵۶). در برخی موارد، کمک می‌تواند از جانب خویشاوندان نزدیک، به‌ویژه پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها نیز ارائه گردد که به شادی فرزندان و موفقیت نوه‌هایشان علاقه بسیاری دارند. بدون کمک، بسیاری از زنان برای

انجام وظایف دوگانه خود تحت فشار بوده و یا برای گرفتن کمک از همسر خود در کارهایی می‌کوشند که مردان علاقه‌ای به انجام آنان ندارند، و این مسئله به طور بالقوه باعث کاهش رضایت هر دو طرف می‌شود.

تفاهم در زمینه تخصص و وابستگی متقابل

ثالثاً، خانواده‌ها نیز مانند سازمان‌ها، زمانی می‌توانند کارآمدتر باشند که هر فرد به جای اشتراک گذاری، در یک نوع کار متخصص باشد (۵۷). با تخصص، وابستگی متقابل بیشتری بین طرفین ایجاد شده و هر یک برای موفقیت خانواده به دیگری نیازمند می‌شوند. تحقیقاتیستی به این موضوع پردازد که آیا زوجین می‌توانند در مورد تقسیم کار صریح‌تر باشند و آیا این امر باعث افزایش وابستگی متقابل شده و فرآیندهای حفظ رابطه مثبتی را ایجاد می‌کند.

فرادانش در خصوص عدم تطابق

در نهایت، آیا دانش روان‌شناسی پیشرفته می‌تواند به زوجین امکان تشخیص دردهای نارضایتی به صورت «آثار اجدادی» هستند و آن‌ها را به گونه‌ای تغییر دهند که آسیب کمتری برای روابط داشته باشند؟ این سوالی است که پاسخ آن ممکن است ارتباط گسترده‌ای با سایر ناهماهنگی‌های تکاملی داشته باشد، از جمله مواردی که می‌توانند در حوزه روابط عاشقانه (مثلاً رابطه جنسی گاه به گاه (۵۸)) و عدم تطابق شناخته شده بین تمایلات تکامل یافته برای غذاهایی با سطوح بالای قند، چربی، و نمک و حفظ سلامتی رخ دهند. ما این را به عنوان یک سوال جذاب و یک اولویت می‌بینیم.

نتیجه‌گیری

در پایان، استدلال ما این است که شناخت ناهماهنگی‌های تکاملی و از دست دادن وابستگی متقابل بین طرفین به حل پارادوکس طلاق پیشنهاد شده از سوی زنان کمک می‌کند. ما تعدادی از راه‌های ممکن را ارائه داده‌ایم که خانواده‌های مدرن می‌توانند با استفاده از آنان با مسائل ناشی از تغییر سریع ساختار خانواده کنار بیایند. از دیدگاه ما، سوالات پژوهشی که مطرح شده، زمینه‌های هیجان‌انگیزی برای اکتشاف هستند. این مسائل ممکن است در نهایت برای درک و جلوگیری از غم و اندوه و فقدان عمیق ناشی از پایان ازدواج حیاتی باشند.

منابع

1. Copen C, Daniels K, Vespa J, Mosher W: First marriages in the United States: data from the 2006–2010. National survey of family growth. CDC National Center Health Statistics; 2012.
2. de Vaus D, Gray M, Qu L, Stanton D: The economic consequences of divorce in six OECD countries. Aust J Soc Issues 2017, 52:180–199.
3. Hauser R, Burkhauser RV, Couch KA, Bayaz-Ozturk G: Wife or Frau, women still do worse: a comparison of men and women in the United States and Germany after union dissolutions in the 1990s and 2000s. 2016. Univ of Connecticut Working Papers 2016/39.
4. Leopold T: Gender differences in the consequences of divorce: a study of multiple outcomes. Demography 2018, 55: 769–797.
5. Meyer DR, Cancian M, Cook ST: The growth in shared custody in the United States: patterns and implications. Fam Court Rev 2017, 55:500–512, <https://doi.org/10.1111/fcre.12300>.
6. Buckle L, Gallup GG, Rodd ZA: Marriage as a reproductive contract: patterns of marriage, divorce, and remarriage. Ethol Sociobiol 1996, 17:363–377. 304 Separation, Social Isolation, and Loss Current

Opinion in Psychology 2022, 43:300–306 www.sciencedirect.com7. Raley K, Sweeney S: Divorce, repartnering, and stepfamilies:a decade in review. J Marriage Fam 2020, 82:81–99.

8. Brinig M, Allen D: ‘These Boots are Made for Walking’: why most divorce filers are women. Am Law Econ Rev 2000, 2:126–169.

9. Rosenfeld MJ: Who wants the breakup? Gender and breakup and heterosexual couples. In .. Edited by Alwin D, Felmler D, Kreager D, Social networks and the life course: frontiers in sociology and social research, vol. 2. Cham: Springer; 2018:221–243, https://doi.org/10.1007/978-3-319-71544-5_11.

10. Sbarra DA, Hasselmo K, Bourassa KJ: Divorce and health: beyond individual differences. Curr Dir Psychol Sci 2015, 24:109–113.

11. van Scheppingen MA, Leopold T: Trajectories of life satisfaction before, upon, and after divorce: evidence from a new matching approach. J Pers Soc Psychol 2020, 119:1444–1458, <https://doi.org/10.1037/pspp0000270>.

12. Davidson RD, Beck CJA: Using couple-level patterns of intimate partner violence to predict divorce outcomes. Psychol Publ Pol Law 2017, 23:85–95, <https://doi.org/10.1037/law0000106>.

13. Dew J, Britt S, Huston S: Examining the relationship between financial issues and divorce. Fam Relat 2012, 61:615–628, <https://doi.org/10.1111/j.1741-3729.2012.00715.x>.

14. Hill EJ, Allsop DB, LeBaron AB, Bean RA: How do money, sex, and stress influence marital instability? J Financial Therapy 2017, 8:21–42.

15. Betzig L: Causes of conjugal dissolution: a cross-cultural study. Curr Anthropol 1989, 30:654–676.

16. Amato PR, Previti D: People’s reasons for divorcing: gender, social class, the life course, and adjustment. J Fam Issues 2003, 24:602–626, <https://doi.org/10.1177/0192513X03024005002>.

17. Taggart TC, Bannon SM, Hammett JF: Personality traits moderate the association between conflict resolution and subsequent relationship satisfaction in dating couples. Pers Individ Differ 2019, 139:281–289.

18. Zeiss AM, Zeiss R, Johnson S: Sex differences in initiation of and adjustment to divorce. J Divorce 1981, 4:21–33, https://doi.org/10.1300/J279v04n02_02.

19. National Center for Education Statistics: Table 318.30: bachelor’s, master’s, and doctor’s degrees conferred by postsecondary institutions, by sex of student and discipline/division: 2017–18. In Digest of education statistics; 2019.

20. Bureau of Labor Statistics: Employment status of the civilian noninstitutional population by age, sex, and race. 2020. <https://www.bls.gov/cps/cpsaat03.htm>.

21. Giusta MD, Jewell SL, Kambhampati US: Gender and life satisfaction in the UK. Fem Econ 2011, 17:1–34, <https://doi.org/10.1080/13545701.2011.582028>.

22. Bas, Levent C, Kirmanoglu H: Gender inequality in Europe and the life satisfaction of working and non-working women. J Happiness Stud 2017, 18:107–124, <https://doi.org/10.1007/s10902-016-9719-z>.

23. Varkey P, Kureshi S, Lesnick T: empowerment of women and its association with the health of the community. J Womens Health (Larchmt) 2010, 19:71–76, <https://doi.org/10.1089/jwh.2009.1444>. PMID: 20088661.

24. Fine C, Sojo V, Lawford-Smith H: Why does workplace gender diversity matter? Justice, organizational benefits, and policy. Soc Issues Policy Rev 2020, 14:36–72.

25. Schmitt DP, Buss DM: Sex differences in long-term mating preferences. In Encyclopedia of evolutionary psychological science. Edited by Shackelford T, Weekes-Shackelford V, Cham: Springer; 2018, https://doi.org/10.1007/978-3-319-16999-6_2917-1.

26. Thomas AG, Jonason PK, Blackburn JD, Kennair LEO, Lowe R, Malouff J, Stewart-Williams S, Sulikowski D, Li NP: Mate preference priorities in the East and West: a cross-cultural test of the mate preference priority model. J Pers 2019, 88:606–620, <https://doi.org/10.1111/jopy.12514>.

27* *. Walter KV, Conroy-Beam D, Buss DM, Asao K, Sorokowska A, Sorokowski P, Aavik T, Akello G, Alhabahba MM, Alm C, et al.: Sex differences in mate preferences across 45 countries: a large-scale replication. *Psychol Sci* 2020, 31:408–423, <https://doi.org/10.1177/0956797620904154>. Over 14,000 adults in 45 countries reported preferences in long-term mates, using the same instrument used in the classic study by David Buss [Buss, DM.: Sex differences in human mate preferences: Evolutionary hypotheses tested in 37 cultures. *Behav Brain Sci* 1989, 12: 1-14. 10.1017/S0140525X00023992] As in the classic study, on average, women preferred good financial prospects in a mate more than men and older age than themselves, and men preferred good looks more than women and younger age than themselves. Greater gender equality within countries predicted smaller preferred age gaps within couples but did not predict sex differences in preferences for resources or attractiveness, inconsistent with the rival “biosocial role” theory.

28* *. Hopcroft RL: High income men have high value as long-term mates in the U.S.: personal income and the probability of marriage, divorce, and childbearing in the U.S. *Evol Hum Behav* In press.

The authors analyzed 2014 Census data from over 55,000 adults. Findings included: Men with higher income are less likely to be childless, more likely to marry, less likely to divorce, and more likely to remarry. In contrast, there was no relationship between women’s income on their likelihood of marriage. High income women were more likely to divorce, less likely to remarry, and more likely to be childless.

29*. Kochhar R: Women make gains in the workplace amid a rising demand for skilled workers. Pew Research Center 2020. <https://www.pewresearch.org/social-trends/2020/01/30/women-make-gains-in-the-workplace-amid-a-rising-demand-for-skilled-workers/>; 2020.

Employment in US has been expanding in careers requiring greater “social and fundamental skills,” and women have been filling these jobs more than have men, contributing to women’s career ascendance. As women enter these skilled jobs at a faster rate than men, average hourly earnings of women have grown faster (increase of 45%) than men’s (increase of 14%) between 1980 and 2018, helping to close the gender wage gap.

30. Dufour DL, Sauther ML: Comparative and evolutionary dimensions of the energetics of human pregnancy and lactation. *Am J Hum Biol* 2002, 14:584–602.

31. Buss DM, Schmitt DP: Mate preferences and their behavioral manifestations. *Annu Rev Psychol* 2019, 70:77–110, <https://doi.org/10.1146/annurev-psych-010418-103408>.

32. Buss DM: Sex-differences in human mate preferences -evolutionary hypothesis tested in 37 cultures. *Behav Brain Sci* 1989, 12:1–14.

33. Murray-Close M, Heggeness ML: Manning up and womaning down: how husbands and wives report their earnings when she earns more. 2018. SESHD Working Paper No. 2018-20.

34. Blom N, Hewitt B: Becoming a female-breadwinner household in Australia: changes in relationship satisfaction. *J Marriage Fam* 2020, 82:1340–1357.

35* *. Folke O, Rickne J: All the single ladies: job promotions and the durability of marriage. *Am Econ J Appl Econ* 2020, 12:260–287.

The authors analyzed Swedish register data of women (n = 641) and men (n = 1246) who ran for parliamentary or mayoral elections. Women were twice as likely to get divorced as women who did not win the elections, whereas there was no association between winning elections and divorce for men. Likewise, Swedish women (n=105) who were appointed as CEOs had higher rates of divorce rates after appointment, relative to men (n = 715) appointed as CEO. See Box 1 for more details.

36. Gangestad SW, Dinh T, Lesko LM, Haselton MG: Understanding women’s estrus and extended sexuality: the dual sexuality framework. In *Handbook of human mating*. Edited by Buss DM & Durkee P. Oxford University Press; In Press.

37. Gildersleeve K, Haselton MG, Fales MR: Do women's mate preferences change across the ovulatory cycle? A metaanalytic review. *Psych Bull* 2014, 140:1205-1259.

38. Durante KM, Eastwick PW, Finkel EJ, Gangestad SW, Simpson JA: Pair-bonded relationships and romantic alternatives: toward an integration of evolutionary and relationship science perspectives. In Olson JM, Zanna MP. *Advances in experimental social psychology*, vol. 53. Academic Press; 2016:1-74.

39. Gangestad S, Simpson J: The evolution of human mating: trade-offs and strategic pluralism. *Behav Brain Sci* 2000, 23:573-587, <https://doi.org/10.1017/S0140525X0000337X>.

40. Bleske-Rechek A, Gunseor MM: Gendered perspectives on sharing the load: men's and women's attitudes toward family roles and household and childcare tasks. *Evol Behav Sci* 2021, <https://doi.org/10.1037/ebs0000257>. Advance online publication.

41. Neel R, Kenrick DT, White AE, Neuberg SL: Individual differences in fundamental social motives. *J Pers Soc Psychol* 2016, 110:887-907, <https://doi.org/10.1037/pspp0000068>. Epub 2015 Sep 14. PMID: 26371400.

42. Parker K, Wang W: Modern parenthood: roles of moms and dads converge as they balance work and family. Pew Research Center 2013 [Social & Demographic Trends].

43. Bianchi SM, Robinson JP, Milkie MA: Parental time with children: more or less? In *Changing rhythms of American family life*. Russell Sage Foundation 2007:59-88.

44. Bertrand M, Kamenica E, Pan J: Gender identity and relative income within households. *Q J Econ* 2015, 130:571-614.

45*. Haines EL, Stroessner SJ: The role prioritization model: how communal men and agentic women can (sometimes) have it all. *Soc Pers Psychol Compass* 2019, 13, <https://doi.org/10.1111/spc3.12504>. Building on Social Role Theory and Role Congruity Theory, which emphasize the importance of gender role norms in evaluation of women and men, the authors propose the Role Prioritization Model. This model predicts that men and women can achieve positive evaluations while engaging in gender-non-normative behavior (breadwinning for women or caretaking for men) if they also emphasize gender-normative behavior and show priority for the latter.

46. Chesley N: What does it mean to be a "breadwinner" mother? *J Fam Issues* 2017, 38:2594-2619, <https://doi.org/10.1177/0192513X16676857>.

47. Schneider D: Gender deviance and household work: the role of occupation. *Am J Sociol* 2012, 117:1029-1072, <https://doi.org/10.1086/662649>.

48. Harris EA, Gormezano A, van Anders SM: Gender inequities in household labor predict lower desire in women partnered with men. *Arch Sex Behav* In Press.

49. Berdahl JL, Moon SH: Workplace mistreatment of middle class workers based on sex, parenthood, and caregiving. *J Soc Issues* 2013, 69:341-366.

50. Delton AW, Robertson TE: How the mind makes welfare tradeoffs: evolution, computation, and emotion. *Curr Opin Psychol* 2016, 7:12-16, <https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2015.06.006>.

51. Le B, Agnew CR: Commitment and its theorized determinants: a meta-analysis of the Investment Model. *Pers Relat* 2003, 10:37-57.

52. Rusbult CE: A longitudinal test of the investment model: the development (and deterioration) of satisfaction and commitment in heterosexual involvements. *J Pers Soc Psychol* 1983, 45:101-117.

53. Rusbult CE, Olson N, Davis JL, Hannon MA: Commitment and relationship maintenance mechanisms. In *Close romantic relationships: maintenance and enhancement*. Edited by Harvey JM, Wenzel AE, Erlbaum; 2001:87-113.

54. Murray SL, Griffin DW, Derrick JL, Harris B, Aloni M, Leder S: Tempting fate or inviting happiness? Unrealistic idealization prevents the decline of marital satisfaction. *Psychol Sci* 2011, 22:619-626.

۱۴۰۱/۱۱/۲۹ ۱۴۰۱/۱۲/۱۹

تعمیر شد

سومین همایش ملی فقه، حقوق و علوم اسلامی

3RD NATIONAL CONFERENCE ON JURISPRUDENCE, LAW AND ISLAMIC SCIENCES

55. Rusbult CE, Finkel EJ: Kumashiro, M: the michelangelo phenomenon. Curr Dir PsycholSci 2009, 18:305–309.
56. Williams C: Biden’s \$1.8 trillion American families plan issupported by nearly 60% of voters. Morning Consult 2021. <https://morningconsult.com/2021/05/05/biden-american-familiesplan-supportpoll/>; 2021.
57. Becker G: A treatise on the family. Enlarged edition. HarvardUniversity Press; 1981 [1991].
58. Krems JA, Ko A, Moon JW, Varnum MEW: Lay beliefs aboutgender and sexual behavior: first evidence for a pervasive,robust (but seemingly unfounded) stereotype. Psychol Sci2021, <https://doi.org/10.1177/0956797620983829>.